

الهیات مسیحی ثمره توسعه فرهنگ غرب است

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان گفت: اولین ریشه‌های شکل‌گیری دانش الهیات در غرب حاصل تعامل فرهنگی میان مسیحیت و اسلام می‌باشد. الهیات مسیحی را می‌توان ثمره توسعه فرهنگی در غرب دانست.



عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان گفت: اولین ریشه‌های شکل‌گیری دانش الهیات در غرب حاصل تعامل فرهنگی میان مسیحیت و اسلام می‌باشد. الهیات مسیحی را می‌توان ثمره توسعه فرهنگی در غرب دانست.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام مهربان صادق نیا در گفت‌وگو با نشریه «گفت‌وگو» به بحث درباره الهیات مسیحی و جدید پرداخته و با اشاره به اینکه الهیات را می‌توان دانشی متمایز از دین دانست می‌گوید: الهیات دو کار نسبت به دین می‌کند. یکی اینکه آن را نظام‌مند می‌کند و دیگری اینکه آن را وادار به گفت‌وگو با دیگران می‌کند. به این ترتیب الهیات هم نظام‌مندتر و هم دگرپذیرتر می‌گردد. این‌ها خود نوعی توسعه است. پس الهیات زاینده نوعی تجدید است و البته می‌تواند تجدید آفرین هم باشد.

صادق نیا با اذعان به رابطه توسعه و الهیات معتقد است: شکل‌گیری الهیات تا اندازه زیادی مرهون نوعی توسعه فرهنگی در جهان غرب است. اولین ریشه‌های شکل‌گیری این دانش در غرب حاصل تعامل فرهنگی میان مسیحیت و اسلام می‌باشد. به دلیل آنکه مسیحیت بتواند دیدگاه‌های خویش را تبیین نموده و از آن دفاع نماید؛ یعنی به نوعی بتواند نسبت دین خود را با ادیان دیگر بیان کند.

وی می‌افزاید: الهیات مسیحی را می‌توان ثمره توسعه فرهنگی در غرب دانست. به این معنی که توسعه فرهنگی و اجتماعی باعث شد مسیحی‌ها بتوانند با رومیان و مسلمانان وارد گفت‌وگو شوند از آموزه‌های خود و تمایز آن دفاع کرده و به نوعی منجر به شکل‌گیری الهیات مسیحی شوند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان تصریح می‌کند: الهیات مسیحی و دین مسیحیت بر پایه تمدن یونانی شکل گرفته است. اگر تمدن یونانی نبود مسیحیت به شکل امروزی وجود نداشت. ارتباطات، فرهنگ، تمدن و هنر یونانی در توسعه مسیحیت در غرب خیلی موثر بود. حضرت عیسی خود آرامی بود اما کتاب مقدس برای اولین بار به زبان یونانی نوشته شد. این دستگاه تمدنی غرب، یونان و روم بود که مسیحیت را توسعه داد و فراگیر کرد.

کلیسا، تمدن و توسعه

به نظر حجت الاسلام صادق نیا: توسعه در نگاه الهیات مسیحی به معنای تسلط هر چه بیشتر انسان بر منابع طبیعی است. اما به طور سنتی الهیات مسیحی در این زمینه مسئولیتی را بر عهده نگرفته است.

وی می‌گوید: تا اواخر قرون وسطی این نگاه وجود داشت که مسیحیت به عنوان یک الهیات دست به ساخت یک تمدن می‌زند. کلیسا آن قدر برای خود قلمرو قائل بود که وارد همه حوزه‌ها می‌شد و مدعی بود مدیریت همه چیز بر عهده کلیسا است. پس از رنسانس این ادعا خیلی کم‌رنگ شد. آنقدر که امروز هاروی کاکس می‌گوید مسیحیت دینی نیست که از آن اقتصاد و تمدن بیرون آید، بلکه بر عکس همه این‌ها را به حکومت واگذار کرده است.

این پژوهشگر ادیان ابراهیمی می‌افزاید: به دلیل دشواری‌هایی که کلیسا با آن رو به رو شد و نارضایتی‌هایی که عملکرد کلیسا در دفاع از حاکمان به وجود آورده بود، مردم مدیریت توسعه را از اختیار کلیسا در آوردند و کلیسا را مجبور کردند که به سهم کمتری از توسعه قائل شود و آن را به نهادهای دیگر سپردند. به بیان دیگر نارضایتی‌هایی که به وجود آمد باعث شد توسعه به شکل غیردینی دنبال شود تا به امروز که شاهد یک توسعه سکولار هستیم و کلیسا هم نقش بسیار کمتر در امر توسعه بازی می‌کند.

صادق نیا تأکید می‌کند: امروزه الهی دان‌های مسیحی علاقه‌مند نیستند که بگویند الهیات مسیحی نگاه تمدن ساز دارد.

وی درباره نقش واسط تبلیغات مسیحی برای توسعه غربی در جهان جدید می‌گوید: مبلغان مسیحی وقتی وارد کشوری می‌شدند، فقط کتاب مقدس را تبلیغ نمی‌کردند، بلکه به تدریج و لایه لای فعالیت‌های خویش فرهنگ مسیحی و غرب را نیز ترویج می‌کرده‌اند. این تبلیغ باعث مواجهه کشور مقصد با دنیای غرب، تکنولوژی و فرهنگ غرب شده است. علیرغم همه فعالیت‌های عام المنفعه کشیشان مسیحی شاهد نوعی توسعه و اهداف توسعه طلبانه هستیم که در این سفرهای تبلیغی پیگیری شده است.

کلام و الهیات جدید

نویسنده «قرآن و کتاب مقدس» با اشاره به تفاوت کلام اسلامی و الهیات مسیحی می‌گوید: در کلام اسلام نمی‌توانیم بگوییم کلام و جدید و قدیم داریم. چون اصول ایمانی ما ثابت است، اما نوع دفاع از اصول دینی در روزگار مختلف، متفاوت خواهد بود. ولی در الهیات مسیحی این چنین نیست. الهیات مسیحی اصول اولیه مدونی ندارد که بحث از آن آغاز شود. این اصول در طول تاریخ تکون یافته‌اند. مثلاً باور مهم تثلیث در قرن چهارم میلادی در جهان مسیحی شکل گرفت؛ یعنی این گونه نیست که در ابتدا این باور بوده باشد، بعد درباره آن گفت‌وگو شده باشد. این باور زاینده مشاجرات جهان مسیحی است. بقیه اصول مسیحی نیز زاینده همین گفت‌وگوها و مشاجرات جهان مسیحی است.

وی درباره وضعیت دوران جدید تصریح می‌کند: ما شاهد الهیات‌های مسیحی مدرن و کلاسیک در دوران معاصر هستیم. اگر بخواهم تفاوت‌های اساسی این دو را بگویم، یکی این است که موضوعات الهیات مدرن در گفت‌وگو با مدرنیته شکل می‌گیرد. مسائل جدیدی چون آزادی، ازدواج همجنس‌گرایان، سقط جنین و محیط زیست مسائل الهیات مدرن است. در صورتی که الهیات سنتی مباحثی چون صفات خداوند، تثلیث و مسائلی از این دست را بررسی می‌کند. از لحاظ متدولوژیک الهیات سنتی به عقل استنتاجی پایبند است که ریشه در فلسفه یونانی و ارسطو دارد و با وضع قوانین کلی و قانون جامعه سعی می‌کند ما وقع را تبیین نموده و توضیح دهد. الهیات مدرن از لحاظ متدولوژیک پایبند به منطق استقرایی است.»

انواع الهیات مدرن

حجت الاسلام مهربان صادق نیا در یک تقسیم‌بندی «پنج نوع الهیات» را در دوره مدرن شناسایی می‌کند: یک نوع الهیاتی است که اعتقاد دارد باید به برداشت‌های الهیاتی تکیه کرد و مدرنیته را با آن ارزیابی کرد و بخش‌هایی را که سازگار است پذیرفت و آن‌هایی را که سازگار نیست حذف کرد.

گروه دوم موضعی برعکس دارند و معتقدند که باید یافته‌های علمی را اصل قرار داد و برداشت‌های الهیاتی را با آن ارزیابی نمود و بخش‌هایی را که با یافته‌های علمی هماهنگ بود برداشت و بخش‌هایی را که هماهنگ نیست کنار گذاشت.

گروه سوم این فرض را دارند که برخی از مطالبات علمی مدرن با دین سازگارتر است، پس آن مکتب را در نظر گرفته و بقیه را رها می‌کنیم. شاید تأکید بر اگزیستانسیالیسم به همین خاطر باشد که معتقدند با الهیات سازگارتر است.

گروه چهارم معتقد است بین الهیات و مدرنیته باید نوعی همدلی ایجاد کرد و تلفیقی از آن را به کار برد. این الهیات، الهیات فرهنگی نام دارد؛ یعنی بخشی از دین و مدرنیته را که با هم سازگارند تلفیق کرده و الهیات جدید را به وجود آوریم.

دسته پنجم هم معتقدند که هیچ نوع گفت‌وگویی بین الهیات و مدرنیته صورت نمی‌گیرد. چون این دو زبان کاملاً با هم متفاوت هستند. ویتگنشتاین نمونه بارز این دسته است و تئوری‌های بازی زبانی او این گونه است.

وی در پایان این تقسیم‌بندی می‌افزاید: روزگار مدرن باعث این اشتقاق بزرگ در دنیای مسیحیت شده است. توسعه در غرب منجر به این موضع‌گیری‌های متفاوت در مورد الهیات شده است. به بیانی الهیات مسیحی را به سمت لیبرال شدن، فرهنگی شدن و در نهایت نوعی سکوت مطلق و یا سکولار شدن و دور شدن از منابع الهی دینی سوق داده است.

.....
*گفت‌وگوی فوق‌الذکر در صفحات ۷۴ تا ۷۸ از شماره ششم «گفتمان الگو» با عنوان «زاییده تجدد و تجددآفرین» منتشر شده است.